

اصول قابل انتقال

چگونگی اطمینان حاصل نمودن از نجات خود



"چگونگی اطمینان حاصل نمودن از نجات خود" در واقع قلب پیام انجیل است چرا که مسیحیت نتیجه یک رابطه شخصی با عیسی مسیح است که به وسیله ایمان به مسیح میسر می‌گردد .
در این کتاب ، دکتر بیل برای نشان می‌دهد که اگر کسی می‌خواهد به عیسی مسیح ایمان بیاورد باید عقل ، احساسات و اراده خود را به کار گیرد . او چهار نکته مهم در کتاب " چهار اصل معنوی " را بیان کرده و طبق کتاب مقدس به ما نشان می‌دهد که چگونه می‌توانیم از مسیحی بودن خود اطمینان کامل حاصل کنیم .

بیل برای

اصول قابل انتقال چیست ؟

وقتی خداوند ما به یازده شاگرد خود که در طی خدمتش او را همراهی کرده بودند امر فرمود تا به سراسر جهان بروند و امتها را شاگرد سازند ، خداوند به آنها دستور داد تا هر آنچه او به آنها تعلیم داده بود به شاگردان جدید نیز تعلیم دهند .
(متی ۲۸ : ۱۸ - ۲۰)

بعدها پولس رسول همین دستور را به تیموتاؤس داد : " و آنچه به شهود بسیار از من شنیدی ، به مردمان امین بسیار که قابل تعلیم دیگران هم باشند . " (دوم تیموتاؤس ۲ : ۲)

در طی مصاحبه‌های مذهبی با ده هزار نفر دانشجو ، مردم عامی و کشیشان و روحانیون که از سال ۱۹۵۱ بطور مداوم ادامه داشته است ، گروه ما دریافته است که :

■ تعداد بسیاری از اعضای کلیساها ، حتی برخی از اعضای فعال که با کمال صمیمیت و وفاداری کلام خدا را تعلیم می‌دهند ، نجات خویش اطمینان ندارند .

■ تحقیقات ما نشان می‌دهد که نیمی از مسیحیان زندگی مسیحی مغلوب همراه با عجز و ناامیدی را می‌گذرانند .
■ اکثر مسیحیان نمی‌دانند که چگونه ایمان خود را بطور مؤثر با دیگران در میان بگذارند .

سعی و تلاش ما برای رفع این سه احتیاج اساسی که لازمه بنای یک شاگرد مسیحی است ، که به عنوان " سپاهیان مسیح " خدمت می‌کند ، ما را بر آن داشت تا یک سری کتابچه تحت عنوان " چگونه‌ها " و یا " اصول قابل انتقال " را تهیه و منتشر نماییم .

در این کتابچه‌ها درباره بسیاری از اصول اساسی و حقیقی که عیسی به شاگردانش تعلیم داد بحث شده است .
" اصول قابل انتقال " در اینجا به معنای یک نظریه ، عقیده و حقیقت است که قابل انتقال و ابلاغ از شخصی به شخص دیگر و از نسلی به نسل دیگر می‌باشد ، بدون آن که معنای اصلی آن کمرنگ شده و یا تغییر کند .

از آن جایی که این حقایق اساسی و اولیه یعنی " اصول قابل انتقال " زندگی مسیحی در حال حاضر به صورت کتاب ، فیلم ، نوارهای ویدیویی و نوارهای ضبط صوت به تمامی زبانهای مهم دنیا در دسترس می‌باشد ، لذا امید است که به یاری خدا برای تغییر زندگی میلیونها نفر در سراسر جهان مورد استفاده قرار گیرد .

برای تسلط یافتن کامل به هر یک از این اصول ، ما پیشنهاد می‌کنیم تا هر کدام از آنها را حداقل شش مرتبه (۱) بطور کامل بخوانید تا شخصاً آمادگی داشته باشید تا آن را به دیگران ابلاغ و انتقال دهید . به این ترتیب حتی آمادگی خواهید داشت تا آن را به دیگران نیز تعلیم دهید .

با تسلط یافتن به این اصول اساسی و اولیه و تعلیم دادن آن به دیگران ، تا آنها نیز قادر باشند به نوبه خود دیگران را تعلیم دهند ، میلیونها زن و مرد در سرتاسر جهان به سوی مسیح هدایت شده و شاگردان او خواهند شد و در نتیجه حکم اعظم مسیح در عصر حاضر اطاعت و اجرا خواهد شد .

۱ . سازمان تحقیقات فرهنگی تایید کرده است که اکثر افراد برای تسلط یافتن کامل به یک چنین متنی لازم است که آن را شش مرتبه بخوانند .

فهرست

- ۴ - ۱ - میلیونها نفر مطمئن نیستند
- ۴ - ۲ - تشنگی عظیم برای شناخت خدا
- ۷ - ۳ - تسلیم کامل
- ۱۵ - ۴ - یگانه تدارک خداوند
- ۱۷ - ۵ - شما می‌توانید اطمینان حاصل نمایید
- ۲۲ - راهنمای مطالعه شخصی
- ۲۴ - مباحث و سؤالات گروهی
- ۲۵ - منابعی که به شما کمک خواهد کرد تا در ایمان خود رشد نموده و مؤده نجات را با دیگران نیز در میان بگذارید

میلیونها نفر مطمئن نیستند

یک تاجر برجسته و مشهور که رهبر کلیسا هم بود، روبه‌روی من در دفتر کارم نشست. از همه جنبه‌ها و طبق تمامی معیارهای خوب انسانی او یک فرد موفق به حساب می‌آمد. ولی وقتی ما شروع به صحبت کردیم معلوم شد که علی‌رغم این که او از رهبران فعال کلیسا بود، ولی در مورد سرنوشت ابدی خود تردید داشت و بیش از هر چیز می‌خواست تا از نجات خود اطمینان حاصل کند.

همسر یک مبشر به من گفت: "در طی سی سال گذشته من و همسرم هزاران نفر را با مسیح آشنا ساخته‌ایم، ولی حقیقت این است که من هرگز از نجات خودم اطمینان نداشته‌ام. حالا آمده‌ام از شما کمک بخواهم. می‌خواهم مطمئن شوم ... " دانشجوی جوانی که لحظاتی پیش مسیح را در قلبش پذیرفته بود با نگاهی نگران و آشفته از جایش برخاست و گفت: "من هیچ تفاوتی با قبل احساس نمی‌کنم!" شاید خداوند دعای مرا نشنیده است. چگونه می‌توانم مطمئن شوم که مسیح وارد زندگی من شده است؟ شاید شما هم در مورد رابطه خود با خداوند اطمینان لازم را نداشته باشید.

تجربه من پس از مصاحبه و گفتگو با هزاران دانشجو، مردم عامی و کشیشان در طی سالهای متعددی به من ثابت کرده است که در سراسر دنیا میلیونها نفر به کلیسا می‌روند ولی شاید اکثریت آنها علی‌رغم این که چندین و چند بار مسیح را به زندگی خود دعوت کرده‌اند هنوز هم از نجات خویش اطمینان ندارند.

در حقیقت تحقیقات نشان می‌دهد که پنجاه درصد از اعضای کلیساها در آمریکا، واقعاً مطمئن نیستند که آیا مسیح وارد زندگی آنها شده است یا نه! این افراد همه انسانهای شریفی هستند و چه بسا در میان آنها کسانی وجود دارند که با صمیمیت و وفاداری سالهای متعددی در کلیسا خدمت کرده‌اند ولی هنوز هم از حضور مسیح در زندگی خود اطمینان ندارند. آنها مطمئن نیستند که اگر قرار بود همین امروز بمیرند آیا نزد خدای خویش به بهشت خواهند رفت یا خیر.

چرا این شک و تردید ملال آور چنین در میان دانشجویان و افراد معمولی که واقعاً می‌خواهند خدا را بشناسند و سالیان متعددی در جستجوی او بوده‌اند، وجود دارد؟ من شخصاً معتقدم که این عدم اطمینان ناشی از اطلاع نادرست، و یا عدم اطلاع راجع به این که خدا کیست، معنی حقیقی صلیب و قیام چیست، و این که پذیرفتن مسیح چه چیزهایی را در بر دارد می‌باشد.

اجازه بدهید این سؤال شخصی بسیار مهم را از شما هم بپرسم. شما چگونه؟ اگر قرار باشد همین امروز دار فانی را وداع گوید آیا کاملاً اطمینان دارید، بدون حتی سایه‌ای از ابهام و تردید، حتماً به بهشت خواهید رفت؟ در صفحات بعدی می‌خواهم یک پیغام امیدوار کننده مهمی را با هم بخوانیم. این پیغامی برای تمامی تشنگان جهان است، پیغامی که فکر می‌کنم خصوصاً مورد احتیاج کلیسا نیز هست.

تشنگی عظیم برای شناخت خدا

در میان زنان و مردان جهان تشنگی عظیم روحانی وجود دارد. اجازه دهید تا مقداری از این نمونه‌ها را با هم بررسی کنیم.

دوستی از من خواست تا با برادرش ملاقات کنم. این دوست نگران برادرش بود چرا که او مسیحی نبود. برادر این دوست یکی از رهبران سیاسی و از قدرتهای اقتصادی کشور ما محسوب می‌شد. ملاقاتی ترتیب داده شد. وقتی خودم را

معرفی کردم ما در مورد اوضاع و احوال جهان شروع به صحبت کردیم و این که چقدر جهان محتاج یک بیداری روحانی است .

من به او گفتم :

" خداوند تو را در یک مقام و جایگاه خاص و خیلی مهم قرار داده است ، چه از لحاظ رهبری و قدرت و چه از لحاظ اجتماعی و مالی و تو می توانی از این جایگاه خاص خودت بهره گرفته و کمک کنی تا اوضاع دنیا بهتر از اینها شود . البته اول باید اجازه دهی تا خداوند تو را تغییر دهد . "

ما با هم کتابچه « چهار اصل معنوی » را مطالعه کردیم ، وقتی تمام شد این مرد قدرتمند و مشهور با کمال تواضع و فروتنی اعلام کرد که می خواهد مسیح را در زندگی خود بپذیرد . ما با هم دعا کردیم وقتی دعای ما تمام شد او به من نگاه کرد و گفت :

" می خواهم بدانی که من از صمیم قلب دعا کردم ، حالا بگو باید چکار بکنم ؟ "

در کشور کره حدود ده هزار نفر از دانشجویان ، مردم عامی و روحانیون در کنفرانس تعلیمی یک هفته ای که از طرف « سپاهیان مسیح » ترتیب داده شده بود شرکت کردند . این گروه با تعداد چهل و دو هزار نفر مصاحبه کردند تا به آنها بیاموزند که چگونه می توانند مسیحی شوند . بیش از شانزده هزار نفر با آنها دعا کردند و مسیح را در قلبشان پذیرفتند و تعداد سه هزار و هشتصد نفر نیز ابراز تمایل کردند تا به وسیله ایمان از روح القدس پر شوند .

در جزیره « هاییتی » (Haiti) در یک کنفرانس یک هفته ای مشابه ، تعدادی بیش از یک هزار نفر فقط در عرض یک روز خود را به مسیح سپردند ، در حالی که پانصد نفر از رهبران و کشیشان با استفاده از کتابچه « چهار اصل معنوی » پیغام انجیل را به عده زیادی از مردم رسانیدند .

من و همسرم در طی پنج سال اخیر به دفعات به کشور روسیه سفر کرده ایم . باید بگویم آنچه که ما در آنجا دیده و شنیده ایم دست کمی از معجزه ندارد . تشنگی عظیم روحانی مردم روسیه و آمادگی آنها برای پذیرفتن پیغام انجیل خیلی بیشتر از آن بود که ما تصورش را می کردیم .

رهبران مسیحی پیغام انجیل را به همه نقاط این کشور می رسانند و مردم با اشتیاق و شوق فراوان آن را می پذیرند . اخیراً همسرم در کشور روسیه و در روز جهانی زن در یک گردهمایی که در نوع خود برای اولین بار برگزار می شد سخنرانی کرد .

تعداد سیصد نفر از زنان در یک کلیسای پروتستان که یک قرن قدمت داشت جمع شدند تا سخنرانی او را بشنوند . او مدت یک ساعت از کلام خدا سخن گفت و یک ساعت و نیم دیگر نیز با سؤال و جوابهای مختلف سپری گشت ، که این نشان دهنده تشنگی عظیم روحانی در بین مردم است .

در چند ماه گذشته دهها هزار نفر در این کشور از طریق تماشای فیلم « عیسی » ، مسیح را در قلبهای خود پذیرفته اند . در حال حاضر بیش از چهار صد و بیست و پنج میلیون نفر فیلم « عیسی » را دیده اند و دهها میلیون نفر دیگر اظهار تمایل کرده اند تا مسیح را به عنوان نجات دهنده و خدای خود بپذیرند .

مسیحیانی که در « سیبری » (Siberia) خدمت می کنند با آنچنان تمایل و اشتیاقی در بین مردم برای شنیدن مژده نجات روبرو شده اند که فیلم « عیسی » را به مدت بیست و چهار ساعت در شبانه روز بدون وقفه نمایش می دهند . تصورش را بکنید حتی در سرمای زمستان !

باید بگویم این چنین برنامه بشارتی برای رسانیدن مژده نجات در هیچ کجای آمریکا دیده یا شنیده نشده است .

هر دو ساعت یک بار فیلم « عیسی » بر روی پرده سینما نمایش داده می شود ، حتی ساعت ۱۲ نیمه شب ، دو بامداد و چهار بامداد !

مردمی که مدت هفتاد سال تشنگی عظیمی برای خداوند در خود احساس می کردند با میل و اشتیاق غیر قابل وصفی حاضرند در مشکل ترین شرایط حتی در شبهای سرد سیبری برای آموختن هر چه بیشتر و شناختن نجات دهنده بی نظیر خود هر سختی را تحمل کنند .

در کشور « رومانی » (Romania) یک نفر در رابطه با تشنگی عظیم مردمش برای شنیدن مژده نجات چنین می گوید :
" مردم ما تشنه هستند ، به قدری تشنه که از دختران و پسران جوان گرفته تا دانشجویها و مردم عادی هر کس را ملاقات می کنیم و به آنها کتابهایی در رابطه با مسیحیت می دهیم آنها بی نهایت خشنود می شوند ! " یک کشیش اهل رومانی گزارش می دهد ، " در هر جلسه ، ما حدود پنج هزار نفر شرکت کننده داریم در حالی که فقط تعداد یک هزار و پانصد عدد بیشتر صندلی در سالن وجود ندارد . قسمت اعظم مردمی که در جلسات شرکت می کنند مدت سه ساعت تمام یکشنبه صبحها ، دو ساعت یکشنبه شبها و مدت دو ساعت تمام جمعه شبها سر پا می ایستند و در جلسات شرکت می کنند .

خیابانهای اطراف و راهروها از جمعیت پر می شود . برای این مردم مهم نیست اگر هوا سرد و برفی و یا بارانی باشد چه در سرمای زمستان و چه در گرمای تابستان آنها همیشه آنجا هستند . این واقعاً باعث دلگرمی من می شود وقتی به کلیسا می آیم و می بینم که سیل مردم از هر طرف به سوی کلیسا سرازیر می شود . من خدا را شکر می کنم ! "
مبشرانی که در اروپای غربی زندگی می کنند و کتاب مقدس را در کشورهای اروپای شرقی توزیع می کنند همگی خبر از تشنگی عظیم مردم برای شنیدن کلام خدا می دهند .

این مبشران هنگامی که ادبیات مسیحی را در کشتی های مسافرتی بلغاری ، رومانی ، لهستانی ، چکسلواکی ، و روسی و یا در قطارها و اتوبوسها بین مردم تقسیم می کنند ، شاهد این حقیقت هستند که چگونه مردم با آغوشی باز پذیرای این کتب می شوند تا شاید قسمتی از این تشنگی عظیم روحانی آنها سیراب شود .

حتی ملوانانی که بر روی کشتیهای کوبایی ، اتیوپیایی و تایوانی ، در حال خدمت هستند می خواهند به نحوی تشنگی روحانی خود را فرو بنشانند .

مبشری می گفت ، هر وقت که به او اجازه داده می شود تا سوار کشتی چینی شود او همیشه با تعداد زیادی از ملوانانی روبه رو می شود که با میل و اشتیاق فراوان آماده پذیرفتن کتب مقدس رایگانی هستند که میان آنها تقسیم می شود . تنها در یک کشتی در عرض چند لحظه کیف دستی اش که پر از کتاب مقدس و عهد جدید بود خالی گشت .

این تنها گوشه ای از تشنگی عظیم میلیونها نفر را نشان می دهد که در سراسر جهان مشتاق شنیدن مژده نجات هستند . به نظر من میلیاردها نفر در مورد رابطه خود با خدای خویش دچار شک و تردید هستند و این تنها به خاطر عدم اطلاع کافی است .

ما باید به آنها کمک کنیم تا بدانند مسیحیت یک فلسفه زندگی نیست ، مسیحیت قوانین اخلاقی و معیار زندگی نیست ، بلکه مسیحیت یک رابطه صمیمی و شخصی با خدای زنده و قادر مطلق است که خود را در عیسی مسیح بر انسان مکشوف ساخت .

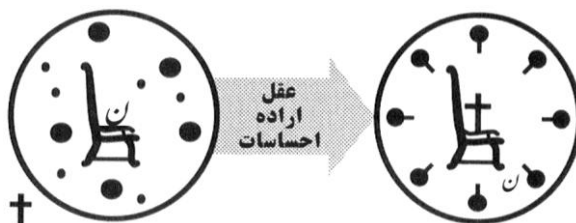
اگر « بودا » را از مذهب بودایی و « محمد » را از مذهب اسلام که بنیانگذاران این مذاهب هستند بردارید تغییر مهمی در این مذاهب به وجود نمی آید ولی عیسی مسیح را از مسیحیت بردارید دیگر چیزی جز نما و ظاهری بی محتوا از مسیحیت باقی نمی ماند . مسیحیت یک رابطه شخصی با مسیح زنده است !

حالا ببینیم چگونه می‌توانیم از رابطه خود با مسیح مطمئن گردیم . من در این جا می‌خواهم یک بار دیگر این سؤال بسیار مهم را از شما پرسم ، " اگر قرار بود در همین لحظه مرگ شما فرا رسد آیا به یقین می‌دانید که زندگی ابدی خود را چگونه سپری خواهید نمود ؟ "

شاید شما مدت زیادی نیست که مسیح را پذیرفته‌اید و کاملاً مطمئن نیستید که واقعاً چیزی در زندگی شما رخ داده است ، یعنی از نجات خود مطمئن نیستید و از رابطه خود با مسیح اطمینان ندارید .
می‌خواهم در اینجا چند اصل حیاتی و ضروری را با شما در میان بگذارم تا این اطمینان را به دست آورید .

تسلیم کامل

مسیحی شدن یعنی قبول مسیح خداوند ، هدیه رایگان خدا که نشانه محبت و بخشایش اوست به وسیله ایمان (افسسیان ۲ : ۸ - ۹ و یوحنا ۱ : ۱۲) و این نتیجه تسلیم کامل عقل ، احساسات و اراده خود به شخص مسیح است .
بیاید یک به یک هر کدام از این سه رکن اصلی را بررسی کنیم .



۱ . تسلیم عقل

مسیحیت بر پایه حقایق استوار کتاب مقدسی و تاریخی بنا گردیده است . برای این که از مسیحی شدن خود اطمینان حاصل کنید اولاً باید بدانید که مسیحیت ایمانی کورکورانه نیست بلکه حقانیت مسیح و نجات او بر پایه مدارک و اسناد تاریخی بنا شده است که این حقایق به وسیله تحقیقات و مطالعات علمی در طی قرون به اثبات رسیده است .
بسیاری از دانشمندان زندگی خود را وقف تفحص و تجسس درباره تولد ، زندگی ، تعالیم ، معجزات ، مرگ و رستاخیز عیسی ناصری کرده‌اند . نتیجه این تحقیقات مدارک تاریخی مستندی است که موارد فوق را به اثبات می‌رساند .
این مدارک شامل نوشته‌های افرادی است که در زمان مسیح می‌زیسته‌اند ، کسانی که در نتیجه دوستی نزدیک و صمیمی

عیسی ، زندگی‌هایشان تا ابد متبدل و دگرگون شد .

حتی دشمنان عیسی هم قیام و رستاخیز او را تأیید و تصدیق می‌کنند آنها با دادن رشوه به شاهدان دروغین توطئه کرده و سعی کردند داستان خالی بودن قبر عیسی را توجیه کنند .

شواهد و مدارک بسیاری دیگر ثابت می‌کند که عیسی حقیقتاً روی زمین زندگی کرد ، مرد و قیام کرده از مردگان برخاست .

نویسنده مشهور آلمانی « گوته » (Goethe) در سالهای آخر زندگی خود نوشت : " اگر تاکنون خدا بر روی زمین ظاهر گشته همانا به وسیله شخص مسیح بوده است . "

نویسنده و فیلسوف نامدار روسی « فتودور داستایوفسکی » (Fyodor Dostoevsky) گفته است : " حتی کسانی که مسیحیت را انکار و آن را مورد حمله و هجوم قرار داده‌اند ، هنوز در باطن خود آرمانهای مسیحیت را دنبال می‌کنند ، چرا

که تا به حال نه دقت موشکافانه و نه شوق و اشتیاق قلبهای هیچ کدام قادر نبوده است تا نظریه‌ای فراتر برای پرهیزگاری ، حسن فضیلت و خوشبختی انسان ارائه دهد مگر خود عیسی مسیح . اگر هم احیاناً در این زمینه تلاش و کوششی شده و قدمی برداشته شده در نهایت بی نتیجه ، متناقض و بی تناسب بوده است . "

« دکتر چارلز مالیک » (Dr. Charles Malik) از لبنان که قبلاً ریاست سازمان ملل را بر عهده داشت گفت : " من واقعاً نمی دانم اگر تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم مسیح بر روی ادبیات ما ، هنر ما ، تبادلات روزمره و بالاخره معیارهای معنوی و فعالیتها و خلاقیتهاى مختلف ذهنی و روحی ما وجود نداشت بر سر تمدن ما چه می آمد ؟ واقعاً از تمدن امروز دیگر چه چیزی باقی می ماند ؟ "

« ناپلئون بناپارت » (Napoleon Bonaparte) ، ژنرال نامدار فرانسوی در دوران تبعیدش نوشت : " من انسانها را خوب می شناسم و به شما می گویم مسیح صرفاً یک انسان نبود ، نمی توان مسیح را با هیچ فرد دیگری بر روی زمین در مقام مقایسه گذاشت . " او ادامه می دهد : « اسکندر کبیر » (Alexander) ، « سزار » (Caesar) ، « شارلمانی » (Charlemagne) و من همگی امپراطوری بر پا کردیم ولی ما امپراطوری خود را بر چه پایه و اصولی بنیان گذاردیم ؟ بله قدرت ! ولی عیسی مسیح امپراطوری خودش را بر روی محبت و عشق پایه گذاری نمود و نتیجه اش این است که همین لحظه میلیونها انسان حاضرند به خاطر او جان خود را فدا کنند .

« توماس جفرسون » (Thomas Jefferson) ، سومین رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا و نویسنده اصلی کتاب اعلام استقلال گفته است : " در میان همه اصول و روشهای ارائه شده اخلاقی ، چه کهن و چه مدرن که تا به حال مورد مطالعه و بررسی قرار داده ام هیچ کدام پاکتر از آنچه عیسی ارائه داده است نبوده . " مهمتر از آنچه دیگران درباره عیسی مسیح می گویند ، نوشته های کتاب مقدس درباره اوست . مسیح خدای مجسم شده در جسم و خون بود .

او به زمین آمد تا به جای ما بمیرد ، او با کمال میل مرگی را که استحقاق یکایک ما بود بر خود گرفت . او این کار را به وسیله مرگ و قیامش انجام داد . مسیح با این کار خود به ما اجازه داد تا وارثان زندگی ابدی شویم و بطور رایگان با خداوند قادر مطلق رابطه برقرار کرده به او نزدیک شویم . سالها پیش بعد از سخنرانی من در یک دانشگاه ، دانشجوی جوان باهوشی پیش من آمد تا با من صحبت کند . این جوان رهبر یک گروه کمونیستی بود .

این جوان مرا متهم کرد که سعی دارم دانشجویان را شستشوی مغزی بدهم ، چرا که بالغتر از آنها بودم و برتری داشتم . از این که من دیدگاههای مسیحیت را به آنها ارائه می دادم نسبت به من احساس تنفر و انزجار می کرد ، چرا که این دیدگاهها بطور واضح و آشکاری با باورهای مارکسیستی در تضاد و مغایرت بود .

من به جای این که با او بحث و مجادله کنم او را برای شام به منزل خودم دعوت کردم . در حالی که شام می خوردیم درباره موضوعات مختلفی صحبت کردیم . وقتی دسرمان تمام شد من کتاب مقدس را برداشته و گفتم : " دوست دارم قسمتی از کتاب مقدس را برایت بخوانم " .

پسر جوان عکس العمل شدیدی از خود نشان داد و گفت : " من به کتاب مقدس ایمان ندارم و نمی خواهم چیزی را که تو می خوانی بشنوم " او ادامه داد : " من از صفحه اول تا صفحه آخر کتاب مقدس را خوانده ام ، این کتاب پر از تناقض گوییها و افسانه ها است ، من حتی یک کلمه آن را هم باور نمی کنم . "

ولی من گفتم: " در هر صورت اگر ناراحت نمی شوی چند قسمت از آن را می خوانم. " کتاب مقدس را ورق زد و از باب اول یوحنا شروع به خواندن کردم:

« در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. همان در ابتدا نزد خدا بود... در او حیات بود و حیات نور انسان بود. و نور در تاریکی می درخشید و تاریکی آن را دریافت.

و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم، بلکه از خدا تولد یافتند.

و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر. »

وقتی تمام شد پسر جوان با اشتیاق گفت: " کتاب مقدس را بده خودم بخوانم، یادم نمی آید این قسمت را خوانده باشم. " او کتاب مقدس را از دستم گرفت و تمام آن قسمت را بار دیگر خواند سپس کتاب مقدس را باز به دستم داد، بدون این که چیزی بگوید.

کتاب مقدس را ورق زد، کولسیان باب اول را باز کردم و از آیه ۱۳ شروع به خواندن کردم.

« و ما را از قدرت ظلمت رهانیده، به ملکوت پسر محبت خود منتقل ساخت، که در وی فدیه خود یعنی آمرزش گناهان خویش را یافته ایم.

و او صورت خدای نادیده است، نخست زاده تمامی آفریدگان. زیرا که در او همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تختها و سلطنتها و ریاسات و قوات، همه به وسیله او و برای او آفریده شد. و او قبل از همه است و در وی همه چیز قیام دارد.

و اینکه بوساطت او همه چیز را با خود مصالحه دهد، چونکه به خون صلیب وی سلامتی را پدید آورد. بلی بوسیله او خواه آنچه بر زمین و خواه آنچه در آسمان است. و شما را که سابقاً از نیت دل در اعمال بد خویش اجنبی و دشمن بودید، بالفعل

مصالحه داد
است. »

پسر جوان باز از من خواست اجازه دهم تا آن قسمت را خودش هم بخواند. کتاب مقدس را دوباره ورق زد، عبرانیان باب اول را باز کردم و از آیه ۱ تا ۳ را برایش خواندم.

« خدا که در زمان سلف به اقسام متعدد و طریق های مختلف بوساطت انبیا به پدران ما تکلم نمود، در این ایام آخر به ما بوساطت پسر خود متکلم شد که او را وارث جمیع موجودات قرار داد و بوسیله او عالمها را آفرید، که فروغ جلالش و خاتم جوهرش بوده و به کلمه قوت خود حامل همه موجودات بوده، چون طهارت گناهان را به اتمام رسانید، به دست راست کبریا در اعلی علین بنشست. »

پسر جوان حالا دیگر آرامتر و ملایمتر شده بود، حالت جنگجویانه و مخالفت خصمانه اش کاملاً عوض شده بود. پس شروع کردم به خواندن از (اول یوحنا ۲: ۲۲ - ۲۳)

« دروغگو کیست جز آنکه مسیح بودن عیسی را انکار کند. آن دجال است که پدر و پسر را انکار می نماید. کسی که پسر را انکار کند، پدر را هم ندارد و کسی که اعتراف به پسر نماید، پدر را نیز دارد. »

وقتی تمام شد او به معنای واقعی کلمه تغییر کرده بود. ما کمی دیگر با هم گپ زدیم و پس از مدتی او آماده رفتن شد، از او پرسیدم آیا مایل است تا در دفتر خاطرات مهمانان ما چیزی به یادگار بنویسد؟ و او موافقت کرد.

پسر جوان اول نام و مشخصات و آدرس خود را نوشت، سپس نوشت: " شب تصمیم گیری " .

او مرد جوانی بود که در زمان ورودش چشمانی خشمگین داشت او هر آنچه را که به مسیحیت بستگی داشت با دید تعصب، نفرت و انزجار می نگریست، ولی تنها با خواندن چند قسمت از کلام مقدس خدا، روح القدس این پسر جوان را

ملزم نمود تا نه تنها با عقل و اندیشه و تفکر بتواند آنچه را که خوانده است بپذیرد ، بلکه او را ملزم نمود تا به آنچه که خوانده است ایمان آورده بپذیرد .

یک بار که داشتم درباره بی نظیر بودن مسیح سخنرانی می کردم یک دانشجوی با درایت و با استعداد هندو که دو دکتر در رشته های فیزیک و شیمی داشت با بی تابی توأم با عصبانیت شدید نزد من آمد و گفت :

" من از همه شما مسیحیان متنفرم . " و ادامه داد : " از این که این طور با تکبر و گستاخی ادعا می کنید که یگانه راه تقرب و رسیدن به خدا مسیحیت است از شما بیزارم . من معتقد هستم که مسیحیت یکی از راههای رسیدن به خدا است ولی _____ یگانه _____ راه

آن ، هندوئیسم ، بودائیسم ، شینتوئیسم و مذاهب دیگر راههای دیگر رسیدن به خدا هستند . "

وقتی ما با هم شروع به صحبت و بررسی کتاب مقدس کردیم او کم کم متوجه شد که مسیحیت با مذاهب و فلسفه های موجود دیگر غیر قابل مقایسه و کاملاً متفاوت است . او دریافت که این تنها مسیحیت است که احتیاج و نیاز اساسی و اولیه انسان ، یعنی طریق بخشش و آمرزش گناه را تدارک دیده است . آن پسر دانشجوی هندو سرانجام اعتراف کرد علی رغم این که او همیشه با پشتکار تمام نوشته های مقدس هندو را مطالعه کرده و از روی وظیفه شناسی ، تمامی آیین و آداب و رسوم مربوط به آن را به خاطر آورده ولی هرگز خدا را شخصاً نشناخته است . بالاخره هر دوی ما زانو زدیم و این دانشجوی جوان از مسیح خواست تا گناهایش را ببامرزد و نجات دهنده او شود .

برای این که شما هم یک مسیحی شوید باید ادعاهای مسیح را بپذیرفته و با تمامی عقل و فکر خود باور کنید که عیسی همان خدا است و او به جهت گناهان شما مرد ، مدفون گشت و دوباره زنده شد . همچنین باور داشته باشید که او می خواهد به عنوان منجی و خداوند وارد زندگی شما شود .

۲ . تسلیم احساسات

مسیحی شدن شامل احساسات شما نیز می باشد .

با مطالعه کتاب مقدس در می یابیم که خدا دارای احساسات است . او احساس محبت ، خشنودی ، غم ، دلسوزی و شفقت ، خشم و نارضایتی و احساسات را دارا است . کتاب مقدس همچنین به ما می گوید که ما شبیه خدا خلق شده ایم . حال که ما قسمتی از تصویر خداوند می باشیم ، خداوند این قابلیت را به ما نیز عطا فرموده است تا احساسات مختلف را تجربه کنیم . از همان لحظه ای که صبح از خواب برمی خیزیم تا زمانی که شب به خواب می رویم ، هر کاری را که انجام می دهیم ، در بر گیرنده نوعی احساس است .

هر فردی که عیسی مسیح را در قلب خود به عنوان منجی و خداوند خود می پذیرد یک احساس کاملاً متفاوتی را تجربه می کند . مثلاً پولس رسول در راه دمشق توسط برخوردی عالی و خارق العاده با خداوند ملاقات نمود . ولی از طرف دیگر تیموتاؤس در یک خانواده مسیحی به دنیا آمد و از سنین کودکی با مسیح آشنا شد و به تدریج در ایمانش رشد نمود .

بارها می شنویم که چگونه مسیحیان با حرارات و شوق فراوان شهادت می دهند که چگونه برخورد عالی آنها با مسیح باعث شده است تا آنها از اعتیاد به مواد مخدر و یا انواع فساد اخلاقی و یا مشکلات ملال آور دیگر رهایی و نجات یابند و البته تغییر زندگی آنها گواه این ادعایشان می باشد .

ولی از طرفی می بینیم هستند افرادی ، مانند خودم که به آرامی در خلوتگاه خانه شان یا در محراب کلیسا و یا در پناهگاهی در قلب کوهستان زانو زده و مسیح را به زندگی خود دعوت کرده اند ، بدون این که برخورد خارق العاده ای را تجربه کنند .

واقعیت این است که احساسات گاهی می‌تواند گمراه کننده باشد. تأکید بر احساسات باعث شده است که بسیاری از افراد در مورد رابطه خود با خداوند دچار شک و تردید شوند. مانند همه مردم برای من هم پیش آمده که لحظات مسرت‌بخش و شادی داشته و اوقاتی را با هیجان و حرارت و آگاهی روحانی گذرانده‌ام، همچنین لحظات نومیدی و غم را نیز تجربه کرده‌ام ولی هرگز در رابطه خودم با خدا بر این احساسات متکی نبوده‌ام. احساسات می‌تواند فریب دهنده باشند. ما زندگی مسیحی را باید تنها بر پایه ایمان بنا کنیم و نه احساسات محض. البته این مسأله حقیقت دارد که احساسات در تجربیات شما نقش دارد، ولی این که صرفاً چه احساسی دارید میبین رابطه شما با مسیح نمی‌باشد. بهتر است چنین بگوییم که احساسات در واقع نتیجه و حاصل ایمان و اطاعت شما است. خداوند فرمود: «هر که احکام مرا دارد و آنها را حفظ کند، آن است که مرا محبت می‌نماید، و آنکه مرا محبت می‌نماید، پدر من او را محبت خواهد نمود و من او را محبت خواهم نمود و خود را به او ظاهر خواهم ساخت» (یوحنا ۱۴: ۲۱). رساله رومیان به ما اطمینان می‌بخشد «که در آن عدالت خدا مکشوف می‌شود، از ایمان تا ایمان، چنان که مکتوب است که عادل به ایمان زیست خواهد نمود» (رومیان ۱: ۱۷).

ناگفته نماند که در تجربیات مسیحی جایی برای احساسات وجود دارد، ولی باید بدانید که شما خودتان نباید در پی کسب تجربیات احساسی بروید و یا سعی کنید تا آنها را در خاطره خود تجدید نمایید. البته نباید احساسات بجا و معقول را بی‌ارزش و حقیر شمرد، ولی مهمتر از آن این است که همیشه به یاد داشته باشیم که ما به وسیله ایمان زیست می‌کنیم. زندگی توأم با ایمان به خدا و وعده‌هایش.

آشنایی، یکی از دوستانش را نزد من آورد به امید این که مسیح را بپذیرد و همینطور هم شد، ولی در طول صحبت‌هایمان متوجه شدم که خود دوستم با وجود این که در مورد نجات دوستش نگران بود ولی خود مسیحی نبود. از او پرسیدم: "چه وقت مسیحی شدی؟"

دوستم جواب داد: "راستش را بخواهی کاملاً مطمئن نیستم که یک مسیحی باشم."

پرسیدم: "آیا ایمان داری که مسیح پسر خداست؟"

دوستم جواب داد: "بلی."

پرسیدم: "آیا ایمان داری که مسیح بر روی صلیب به خاطر گناهان ما جان داد؟"

دوستم جواب داد: "بلی."

"آیا ایمان داری که اگر عیسی مسیح را به عنوان منجی خود بپذیری او وارد زندگی تو گردیده و تو را فرزند خدا خواهد گردانید؟"

پاسخ داد: "بلی."

پرسیدم: "می‌خواهی او را بپذیری، اینطور نیست؟"

دوستم گفت: "بلی، می‌خواهم او را بپذیرم ولی منتظر یک تجربه هستم، وقتی مادرم مسیحی شد یک تجربه احساسی

عالی و فوق‌العاده‌ای داشت، تمام این سالها من هم منتظرم تا چنین تجربه‌ای داشته باشم."

اگر چه این شخص ظاهراً یک مسیحی فعال عضو کلیسا بود ولی چیزی که مانع اطمینان او از نجاتش بود، تأکید نادرست او بر احساساتش بود. من برایش توضیح دادم که او الزاماً نباید منتظر یک تجربه احساسی باشد، آنچه اهمیت دارد کلام خداست، و تنها باید به آن متکی باشد. اطمینان بر اساس اعتبار کلام خدا حاصل می‌شود. سرانجام سرهایمان را پایین آورده با هم دعا کردیم و تنها با یک اعتراف ساده به ایمان، او مسیح را به عنوان نجات دهنده و خدای خود پذیرفت و از این که دیگر اطمینان کامل داشت که مسیح وارد زندگی‌اش شده احساس وجد و شادمانی می‌کرد.

۳. تسلیم ارادی

مسیحی شدن نه تنها شامل تسلیم عقل و احساسات می‌باشد بلکه مستلزم اراده شما نیز می‌باشد. ابتدا شما باید بخواهید تا مطیع خداوند و کلامش باشید.

عیسی مسیح بر اهمیت اراده انسان و رابطه مستقیم آن با حصول اطمینان از نجات تأکید فراوان دارد.

عیسی فرمود:

« اگر کسی بخواهد اراده او را به عمل آورد، درباره تعلیم خواهد دانست که از خدا است یا آن که من از خود سخن می‌رانم. هر که از خود سخن گوید، جلال خود را طالب بود و اما هر که طالب جلال فرستنده خود باشد، او صادق است و در او ناراستی نیستی.»

(یوحنا ۷: ۱۷ - ۱۸) .

بعضی از مردم مایل نیستند تا از مسیح اطاعت کنند زیرا آنها می‌ترسند که خداوند نقشه‌هایشان را به هم بزند و همه لذت‌های زندگی را از آنها بگیرد.

روزی با یک دانشجوی جوان صحبت و سپس با هم دعا کردیم ولی او مردد بود که عیسی را بپذیرد یا نه. دلیلش این بود که او از زندگی و خوشگذرانی‌هایی که داشت راضی بود. او دوست داشت تا با دوستان دختر و پسرش رابطه داشته و در مجالس مختلف شرکت کند. وقتی همراه دوستان و دیگر همکلاسی‌هایش مدتی دعا کردیم این مرد جوان تصمیم گرفت تا بعد از آن از مسیح اطاعت کند. او دریافت که آن زندگی هیجان‌انگیزی که او طالبش بود در واقع در مقام مقایسه با زندگی پربرکت و پربراری که مسیح خداوند حاضر بود به او ببخشد هیچ بود. پس از گذشت مدت کوتاهی او یکی از اعضای مهم و مثرمتر در دانشکده شد.

این جوان دانشجوی بر علیه اراده خدا در زندگی‌اش مبارزه می‌کرد ولی سرانجام حقیقت کلام مسیح را دریافت. عیسی فرمود:

« پس مردم را با شاگردان خود خوانده، گفت: هر که خواهد از عقب من آید، خویشتن را انکار کند و صلیب خود را برداشته، مرا متابعت نماید. زیرا هر که خواهد جان خود را نجات دهد، آن را هلاک سازد، و هر که جان خود را بجهت من و انجیل بر باد دهد آن را برهاند.»

زیرا که شخص را چه سود دارد هر گاه تمام دنیا را ببرد و نفس خود را ببازد؟ یا آنکه آدمی چه چیز را به عوض جان خود بدهد؟ زیرا هر که در این فرقه زناکار و خطاکار از من و سخنان من شرم‌منده شود، پسر انسان نیز وقتی که با فرشتگان مقدس در جلال پدر خویش آید، از او شرم‌منده خواهد گردید.» (مرقس ۸: ۳۴ - ۳۸).

در جایی دیگر عیسی فرمود: « هر آینه به شما می‌گویم کسی نیست که خانه یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا اولاد یا املاک را بجهت من و انجیل ترک کند، جز اینکه الحال در این زمان صد چندان یابد از خانه‌ها و برادران و خواهران و مادران و فرزندان و املاک با زحمات، و در عالم آینده حیات جاودانی را.» (مرقس ۱۰: ۲۹ - ۳۰).

یک مربی سرشناس و معتبر ورزشی که قابل احترام میلیون‌ها نفر بود و شخصیتی بارز داشت و در ضمن از استعداد درخشانی هم برخوردار بود در مورد تسلیم شدن کامل خود به مسیح اظهار تردید و بی‌میلی می‌نمود. او از این واهمه داشت که ممکن است خداوند از او بخواهد که خادم او شود، در این صورت او مجبور بود از بزرگترین عشق و علاقه و لذت زندگی خود که مربیگری بود دست بردارد.

مردان موفق و مشهور متعددی از پیروی مسیح امتناع ورزیده‌اند زیرا آنها می‌ترسند که خداوند از آنها بخواهد تا تمامی دارایی و ثروت خود را فروخته و بین فقرا تقسیم کنند همانند آن جوان دولتمندی که مسیح به او گفت باید این چنین عمل کند

(مرقس ۱۰: ۱۷ - ۲۲). هر چند امروز خدا از برخی افراد طالب انجام چنین کاری است، ولی دیگران را هم هدایت می‌کند تا از نفوذ خود برای پیش‌برد سایر اهداف مسیح استفاده کنند.

در حالی که شما در راه ایمان و اطاعت از خدا قدم بر می‌دارید و با اراده و میل خود به او اجازه می‌دهید تا زندگی شما را تغییر دهد، به تدریج اطمینان شما نسبت به رابطه خود با خدا رفته رفته بیشتر می‌شود. شما به تدریج کارهای عظیم خدا را در زندگی خود تجربه خواهید کرد، او به شما قدرت می‌دهد تا کارهایی را که هرگز توانایی انجام آن را نداشته‌اید عملی سازید، مثل دوست داشتن کسی که در حق شما بدی کرده است و یا حفظ آرامش در هنگام مواجه شدن با انواع مشکلات و فشارهای زندگی و یا احساس میل فراوان برای ایجاد رابطه با دیگران با محبت مسیح (دوم قرنتیان ۵: ۱۷). ولی اگر به خدا و نقشه‌ای که او برای شما دارد اعتماد نکنید، و اوامر او را به جا نیاورید. بدون شک در مورد نجات خود دچار تردید خواهید شد.

بعضی افراد به دلیل غرور و خودخواهی از پذیرفتن عیسی امتناع می‌ورزند. تقریباً مدت پنجاه سال با طبقه به ظاهر روشنفکر سر و کار داشته‌ام و در تمام این سالها حتی یک نفر را ندیده‌ام که گفته باشد. "من تمام شواهد و مدارک تاریخی و ادعاهای مسیح را بررسی کرده‌ام و نمی‌توانم قبول کنم که مسیح پسر خدا است."

چرا که رد کردن و نپذیرفتن مسیح موضوعی است که به قلب انسانها مربوط است نه به عقل آنها، این موضوعی است که به اراده انسان بستگی دارد. ایرادات مطرح شده غالباً نوعی بهانه می‌باشد تا مخالفت‌های عمیق قلبی آنها را پوشاند. سالها قبل با یک استاد معروف که در یکی از دانشگاههای معتبر الهیات تدریس می‌نمود آشنا شدم. او به الوهیت مسیح ایمان نداشت، با این وجود هزاران دانشجوی را برای خدمت به مسیح تعلیم داده بود. روزی یکی از دوستانم که در حال اخذ دکترای خود تحت نظارت همین استاد بود مرا دعوت کرد تا به اتفاق به ملاقات این استاد بزرگ برویم.

دوستم چنین توضیح داد: "استاد ما باور ندارد که کتاب مقدس کلام خدا است، ولی او شخص خوبی است و من خیلی به او علاقه دارم. او مرد با شخصیت و خوش قلبی است و فکر می‌کنم شما قادر باشید او را به سوی مسیح هدایت کنید."

وقتی به این استاد مشهور و بزرگ معرفی شدم، اولین حرفی که به من زد این بود. "آقای برایت وقتی می‌خواهید درباره مسیحی شدن با دانشجویان صحبت کنید به آنها چه می‌گویید؟"

با در نظر گرفتن حسن شهرتی که استاد داشت می‌خواستم سنجیده و بدقت به او پاسخ دهم، ولی قبل از این که بتوانم چیزی بگویم، استاد سؤال دیگری مطرح کرد. "من می‌خواهم مسیحی شوم چه می‌توانید به من بگویید؟"

استاد گفت: "این اواخر با بیش و درک جدیدی کلام خدا را مطالعه می‌کنم، و در این چند سال اخیر مشغول مطالعه نوشته‌های بزرگان کلیساها و بیوگرافی قهرمانان ایمان بوده‌ام. اینک اعتقاد پیدا کرده‌ام که مسیح پسر خدا است ولی هنوز مسیح را به عنوان نجات دهنده شخصی خود نمی‌شناسم."

روی ورقه کاغذی دایره‌ای رسم کردم و توضیح دادم: "این دایره نمایانگر زندگی شما است، درون دایره تختی

ترسیم نمودم، روی تخت حرف "ن" که نشانگر "نفس اماره" است نوشتم و توضیح دادم: "برای این که یک مسیحی شوید

باید مسیح را به عنوان نجات دهنده خود از گناه ، خداوند و مالک زندگی خود بپذیرید . شما باید کنترل و هدایت تخت زندگی خود را در اختیار مسیح بگذارید . "

استاد در جواب گفت : " مشکل من همین جا است ، غرور مانع می شود این کار را انجام دهم ، در دنیای ادبیات توانسته ام افتخارات زیادی کسب کنم و هیچ گاه نخواسته ام خود را در حضور خدا فروتن سازم . سالها من الوهیت مسیح را انکار کرده ام و هزاران دانشجوی را تعلیم داده ام تا مانند خودم الوهیت او را رد کنند . "

در همین لحظه زنگ تلفن به صدا در آمد ، و به دلیل قرار ملاقاتهای قبلی ، نتوانستیم صحبت هایمان را تمام کنیم ، استاد از ما خواست تا دو روز بعد باز به دیدنش برویم . پس از دو روز مجدداً نزد استاد رفتم ، این بار او ما را به دفتر کاری راهنمایی کرد که تلفن نداشت ، استاد در را قفل کرد و گفت : " می خواهم بدانید که امروز صبح به یکی از کلیساهای محلی رفتم و مراسم عشای ربانی را به جا آوردم و قلبم را برای آمدن شما آماده کردم . " استاد ادامه داد : " درباره باب سوم انجیل یوحنا تفکر و تعمق می کردم ، حالا از شما خواهش می کنم برایم دعا کنید تا عیسی را به عنوان نجات دهنده شخصی خود بشناسم و بپذیرم . "

ابتدا من دعا کردم ، سپس او دعا کرد و پس از او دوستم دعا کرد و در آن روز این مردی که شهرت جهانی داشت همانند یک طفل کوچک مسیح را با ایمانی نشأت گرفته از اراده ، در قلبش پذیرفت . حال دیگر تعالیم استاد و فلسفه زندگی او عوض شده بود ، زیرا او خلقت جدیدی در مسیح بود . اساساً مشکل او عقلانی نبود بلکه غرور و خودخواهی مانع از پذیرفتن مسیح در قلبش شده بود .

دلیل دیگری که باعث می شود تا مردم از سپردن زندگی خود به عیسی خودداری کنند این است که شیطان آنها را فریب می دهد . عیسی در مورد شخصیت شیطان چنین فرمود :

« شما از پدر خود ابلیس می باشید و خواهشهای پدر خود را می خواهید به عمل آرید . او از اول قاتل بود و در راستی ثابت نمی باشد ، از آنجهت که در او راستی نیست . هر گاه به دروغ سخن می گوید ، از ذات خود می گوید زیرا دروغگو و پدر دروغگو است . »

(یوحنا ۸ : ۴۴) .

چند سال پیش از من دعوت شد تا با یک ژنرال ارتش ملاقاتی داشته باشم . او مرد مؤدب ، مهربان و صمیمی بود . بعد از این که مدتی صحبت کردیم او گفت که می خواهد مسیحی شود ولی احساس می کند که قادر نیست تصمیم قطعی در این مورد بگیرد .

بیش از یک ساعت با یکدیگر گفتگو کردیم ، سرانجام احساس کردم بهتر است قسمتی از رساله کولسیان باب اول آیات ۱۳-۱۴ را با هم بخوانیم . از او خواستم این قسمت را با صدای بلند بخواند . « و ما را از قدرت ظلمت رهانیده ، به ملکوت پسر محبت خود منتقل ساخت ، که در وی فدیة خود یعنی آمرزش گناهان خویش را یافته ایم . »

برایش این طور توضیح دادم : " می دانی در دنیا دو ملکوت وجود دارد ، ملکوت خدا و ملکوت شیطان . حالا تو به کدامیک از این دو تعلق داری ؟ " متفکرانه مکثی کرد و جواب داد : " حدس می زنم در ملکوت شیطان هستم . "

از او پرسیدم : " خوب ، اکنون می خواهی در این مورد چه کنی ؟ "

جواب داد : " می خواهم جایم را عوض کنم و وارد ملکوت خدا شوم . "

به این ترتیب این ژنرال مشهور که نفوذش در سراسر جهان شناخته شده بود زندگی اش را به مسیح سپرد و از قلمرو تاریک و سیاه شیطان خارج و وارد ملکوت پسر حبیب خدا شد .

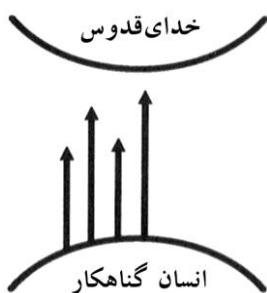
آیا شیطان شما را نیز فریب داده است؟ آیا تا به حال به این فکر افتاده‌اید که قبل از این که خداوند شما را بپذیرد باید شخص بهتری شوید؟ آیا شیطان که دشمن شما است تاکنون شما را وادار ساخته است که از خودتان بپرسید "آیا حقیقتاً خدا مرا دوست دارد؟" آیا پیش آمده که شیطان شما را طوری فریب دهد تا از نافرمانی و تمرد خود نسبت به خداوند احساس رضایت کنید؟

مهم نیست که شیطان تحت چه عنوانی شما را از مسیح دور نگاه داشته است، توصیه من این است که هر چه زودتر خود را از اسارت و سلطه شیطان خارج کرده و به مسیح روی آورید.

برای این که اطمینان حاصل کنید که یک مسیحی هستید باید در مورد حقایق اساسی موجود در کتاب مقدس آگاهی داشته باشید. شما نه تنها باید این حقایق را با عقل خود باور کنید بلکه باید با اراده خود آن را پذیرفته و این حقایق را محور اصلی زندگی خود قرار دهید.

باید بدانید که خداوند شما را بی‌نهایت دوست دارد و یک نقشه عالی برای زندگی شما در نظر گرفته است. خداوند صلاح شما را می‌خواهد و قبلاً برای احتیاجات شما تدارک لازم را دیده است. عیسی مسیح یگانه راهی است که به وسیله آن شما می‌توانید پی به نقشه الهی خداوند برده و محبت او را تجربه نمایید.

لیکن شما گناهکار هستید و از خدا جدا می‌باشید، بنابراین قادر نیستید پی به نقشه خدا در زندگی خود و محبت او را تجربه کنید تا زمانی که اتفاق خارق‌العاده‌ای در زندگی‌تان رخ دهد.

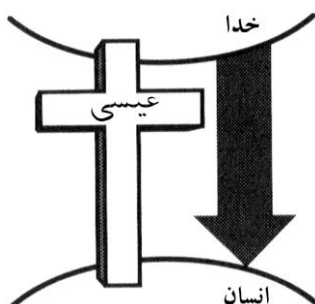


ما به گونه‌ای خلق شده‌ایم تا همواره دنباله‌رو خداوند باشیم ولی به خاطر خودخواهی خود ترجیح می‌دهیم تا به راه خود رویم. خودخواهی که در ما وجود دارد به دو صورت ظاهر می‌شود، یا به صورت مخالفت و تمرد آشکار در مقابل خدا و یا به صورت بی‌اعتنایی نسبت به وجود خداوند. کلام خدا خودخواهی را "گناه" می‌داند. گناهان ما باعث شده است تا ما از لحاظ روحانی مرده و از خداوند جدا شویم.

خداوند مقدس و انسان گناهکار است. فاصله عمیقی ما را از خداوند جدا ساخته است. انسان سعی می‌کند با کمک فلسفه‌های مختلف و یا از طریق انجام کارهای نیک و با سعی و تلاش خود و یا به وسیله به جا آوردن مراسم مذهبی خود را به خداوند نزدیک کند ولی هیچ انسانی تا به حال قادر نبوده است از طریق جد و جهد به خداوند تقرب جوید.

یگانه تدارک خداوند

عیسی مسیح تنها راهی است که خداوند برای آمرزش و بخشش گناهان ما تدارک دیده است. تنها از طریق او است که



می‌توانید پی به نقشه عالی خداوند برده و محبت او را تجربه نمایید.

عیسی مسیح کیست؟ چرا او این قدرت را دارد که همانند یک پل بین این شکاف عمیق و عظیم بین خدای مقدس و انسان گناهکار عمل کند؟

تولد عجیب و حیرت‌انگیز عیسی، زندگی او، معجزاتی که به ظهور رسانید، سخنانی که بر زبان آورد، مرگ او بر روی صلیب، قیام او از مردگان و صعودش به آسمان، همگی گواه این حقیقت است که عیسی یک انسان معمولی نبوده، بلکه مافوق انسان بوده است.

شما نیز با درک این حقیقت باید عیسی مسیح را به عنوان نجات دهنده و خدای خود بپذیرد. با پذیرفتن عیسی شما قادر خواهید بود تا از نقشه‌ی عالی خدا آگاه شده و محبت او را تجربه کنید. هر کس شخصاً با دعوت کردن مسیح به زندگی خود او را با ایمان می‌پذیرد. پولس رسول می‌گوید: «زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، به وسیله‌ی ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند» (افسیان ۲: ۸-۹). و عیسی مسیح فرمود: «اینک بر در ایستاده می‌گویم، اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند، به نزد او در خواهیم آمد و با وی شام خواهیم خورد و او نیز با من» (مکاشفه ۳: ۲۰).

برای این که مسیح را در زندگی خود بپذیرید ابتدا باید خود را انکار کنید و از گناهان خود توبه نمایید، و سپس به سوی خداوند باز گردید. و این میسر نیست مگر این که ایمان داشته باشید که مسیح قادر است گناهان شما را بخشیده و شما را تغییر دهد.

اجازه دهید با کمک مثالی برایتان بیشتر توضیح دهم:

فرض کنید با خانم یا آقای جوانی ملاقات می‌کنید که قبلاً تعریف او را بسیار شنیده‌اید. وقتی با او شخصاً ملاقات می‌کنید، چه از لحاظ ظاهری و چه از لحاظ شخصیت و خصوصیات دیگر، او کاملاً مورد پسند شما واقع می‌شود. آیا به نظر شما برای یک ازدواج همین ملاکها کافی است؟ خیر. مسأله‌ی ازدواج فراتر از اینها است.

فرض کنید با شخص مورد علاقه‌ی خود برای مدتی رفت و آمد کردید و کم‌کم عاشق او شدید، حالا چطور؟ آیا این برای ازدواج کافی است؟

خیر. شرایط و لازمه‌ی ازدواج بیش از عقل و احساسات می‌باشد.

فرض کنید با هم نامزد شده‌اید و روز مراسم ازدواج فرا رسیده است. چقدر هیجان‌انگیز! حالا از روی عقل متقاعد شده‌اید که او مناسب‌ترین زوج برای شما در تمام دنیا است، از جنبه‌ی احساسات هم اطمینان کامل دارید، چرا که در حضور او قلب شما دو برابر تندتر از حد معمول می‌تپد!

ولی در این لحظه حساس چیزی مهمتر از اینها باید به وقوع بپیوندد. وقتی طرفین با اراده‌ای راسخ در حضور کشیش می‌ایستند، در واقع خود را تسلیم طرف مقابل می‌کنند. اگر یک تسلیم محض به وسیله‌ی طرفین صورت نگیرد، ازدواج مفهومی نخواهد داشت.

رابطه‌ی معنوی ما با عیسی مسیح نیز چنین است. اگر شما مایلید تا مسیح را در زندگی خود بپذیرید باید با تمامی عقل، احساسات و اراده‌ی خود تسلیم او شوید.

زندگی شما شاید یکی از این دو راه باشد. اگر کنترل زندگی‌تان را خود به دست گیرید مسلماً نتیجه‌ی آن یک زندگی توأم با ناسازگاری، عجز و ناتوانی و محرومیت‌ها است.

از طرف دیگر اگر زندگی شما به وسیله‌ی عیسی مسیح کنترل می‌شود زندگی شما بدون شک با نقشه‌ی خدا هماهنگی کامل دارد.

زندگی ما بسیار شبیه به یک کرم ابریشم می‌باشد. موجود زشت و پُرمویی که در خاک غوطه‌ور است. این کرم زشت به دور خودش پيله می‌بافد و روزی از درون این پيله یک پروانه زیبا بیرون می‌آید. ما به درستی نمی‌فهمیم که چه اتفاقی رخ داده است. فقط می‌دانیم آن کرمی که روزی در خاک می‌لولید، اکنون تبدیل به یک پروانه فوق‌العاده زیبایی شده است که در آسمان به پرواز در می‌آید.

زندگی مسیحیان این گونه است. روزی ما هم در گناهان خود غوطه‌ور و در پست‌ترین جایها قرار داشتیم، خودمحمور و مغرور ولی اکنون که به خدا ایمان آورده و از او اطاعت می‌نماییم، در بالاترین جایها ساکن شده‌ایم و به عنوان فرزندان خدا، زندگی پربرکتی را می‌گذرانیم. این زندگی به وسیله پذیرفتن عیسی مسیح به عنوان منجی و خداوندمان آغاز می‌گردد. چند سال قبل دختر جوانی که به تازگی مسیح را در قلبش پذیرفته بود، از من خواست تا درباره مسیح با پدرش صحبتی داشته باشم. پدر این دختر جوان از بنیان‌گذاران یکی از شرکتهای مهم و شناخته شده در سراسر دنیا بود. در خانه زیبایش او را ملاقات کردم. او واقعاً مرد بزرگی بود و از آداب و معاشرت وی معلوم بود که یک سیاست‌مدار واقعی است. او عکسها، نشانها و یادگارهای فراوانی را که از پادشاهان و رؤسای جمهور کشورهای مختلف و اشخاص سرشناس دیگر داشت را یکی پس از دیگری به من نشان داد. این مرد شخص خیرخواه و بشردوستی بود و صدها میلیون دلار به افراد نیازمند کمک کرده بود.

پس از این که برای مدتی گفتگو کردیم او گفت: "دخترم می‌گوید شما می‌خواهید موضوع مهمی را با من در میان بگذارید."

و به این ترتیب سر صحبت باز شد و من در مورد رابطه او با مسیح شروع به صحبت کردم، او مرد بسیار مؤدب، خونگرم، روشنفکر و با احساس بود. ما به اتفاق قسمتی از کتاب مقدس را که مربوط به بحث بین عیسی و نیکودیموس بود را بررسی کردیم. همان طور که می‌دانید نیکودیموس یک روحانی بزرگ یهودی بود، شخصی متدین، طرفدار اخلاقیات و فوق‌العاده عیب‌جو. از انجیل یوحنا باب سوم شروع به خواندن کردم:

« عیسی در جواب او گفت: "آمین آمین به تو می‌گویم اگر کسی از سر نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید."

نیکودیموس بدو گفت: چگونه ممکن است که انسانی که پیر شده باشد، مولود گردد؟ آیا می‌شود که بار دیگر داخل شکم مادر گشته، مولود شود؟

عیسی در جواب گفت: *آمین، آمین، آمین به تو می‌گویم اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود. آنچه از جسم مولود شد، جسم است و آنچه از روح مولود گشت روح است. عجب مدار که به تو گفتم باید شما از سر نو مولود گردید» (یوحنا ۳: ۳ - ۷).*

در این جا بود که این مرد متخصص و مؤدب که حدود ۸۰ سال داشت به من گفت: "آقای برایت، من الآن مدت پنجاه سال است که رئیس هیئت مدیره کلیسا هستم ولی تاکنون کسی به من نگفته بود که باید عیسی را به عنوان نجات دهنده خود بپذیرم و تولد دوباره یابم. آیا به نظر شما با در نظر گرفتن همه کارهای خوبی که در طی این مدت انجام داده‌ام باز هم باید تولد تازه داشته باشم؟"

برایش توضیح دادم که "نیاز به تولد تازه چیزی نیست که من پیشنهاد می‌کنم، بلکه این مسیح است که به نیکودیموس فرمود: باید تولد تازه یابی."

از او پرسیدم: "آیا شما نیز مایلید تولد تازه یابید؟"

و او جواب داد: "بلی مایلم."

شاید پرسید: "اگر من ایمان داشته باشم که عیسی پسر خدا است و به خاطر گناهان من مرد، آیا یک مسیحی هستم؟" باید بگویم: "خیر، اگر شما حاضر نیستید اراده خود را تسلیم عیسی کنید شما یک مسیحی نیستید." و یا شاید بگویید: "من پس از گوش دادن به یک موعظه عالی، تمام احساساتم برانگیخته شد و شاهد یک تجربه روحانی شدم، حتی به دعوتی که به عمل آمد پاسخ مثبت داده، جلو رفتم تا دعا کنم. و حالا چطور آیا یک مسیحی هستم؟" اگر شما تا به حال تخت زندگی خود را به مسیح واگذار نکرده‌اید، باز هم متأسفانه پاسخ منفی است. پس چگونه می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که یک مسیحی شده‌ایم؟ آیا خدا به کسانی که با خلوص نیت مسیح را می‌پذیرند، دلایلی ارائه نداده است تا از مسیحی بودن خود اطمینان حاصل کنند؟ به نظر من سه دلیل وجود دارد که تأیید می‌کند که مسیح در ما زندگی می‌کند.

$$\text{اطمینان} = \left\{ \begin{array}{l} \text{اعتبار کلام خدا} \\ \text{تأیید روح القدس} \\ \text{زندگی تغییر یافته} \end{array} \right.$$

۱. شهادت برونی: اعتبار کلام خدا

ملاک شما، وعده خدا است نه احساسات. کلام خدا کاملاً معتبر است. شما به عنوان یک مسیحی باید با ایمان زندگی کنید و به کلام خدا که الهام شده از روح خدا است کاملاً اعتماد کنید. «مارتین لوتر» (Martin Luther) پدر اصلاحات کلیسا، سالهای مدیدی خود را برای کسب نجات، کاملاً وقف کلیسا و انجام کارهای نیکو کرده بود، وقتی او سرانجام این حقیقت کتاب مقدس را دریافت که: "عادل به ایمان زیست خواهد نمود،" زندگی‌اش بکلی دگرگون شد. بعد از این او دیگر مجبور نبود تا برای به دست آوردن نجات، رنج و زحمت فراوانی را متحمل شود. او به کلام خدا ایمان آورد و همین کافی بود تا از نجات خود اطمینان حاصل کند.

«جان وسلی» (John Wesley) جوان، بنیان‌گذار کلیسای "متدیست" از نجات خود اطمینان نداشت. گرچه او پسر یک کشیش بود و همچنین رهبری "باشگاه روحانی" در آکسفورد را بر عهده داشت و بین سرخپوستان آمریکایی به عنوان مسیونر خدمت می‌کرد ولی در مورد نجات خود تردید داشت. وقتی «جان وسلی» به انگلستان بازگشت در یک جلسه بیداری شرکت کرد. «جان وسلی» در حال گوش دادن به مقاله «مارتین لوتر» راجع به ایمان به عنوان یک مقدمه برای کتاب رومیان بود که مسیح را ملاقات کرد. «وسلی» در بیوگرافی خود چنین می‌نویسد: "ساعت حدوداً یک ربع به نه بود و او داشت توضیح می‌داد که چگونه توسط ایمان به مسیح، خداوند در قلبهای ما کار می‌کند. در همین لحظه گرمی عجیبی در قلبم احساس کردم و این احساس به من دست داد که واقعاً برای موضوع نجاتم به مسیح ایمان و اعتماد کامل دارم، اطمینان داشتم که مسیح گناهان مرا بخشیده و مرا از گناه و مرگ رهایی و نجات داده است." قبل از این تجربه، «جان وسلی» دائماً در حال تلاش بود تا نجات خود را توسط انجام دادن کارهای نیک به دست بیاورد، ولی او اطمینان از نجات خدا را توسط ایمان به دست آورد.

اول یوحنا ۵ : ۱۱ - ۱۲ تأیید می کند که اگر مسیح را پذیرفته‌اید او حتماً وارد زندگی شما شده است :

« و آن شهادت این است که خدا حیات جاودانی به ما داده است و این حیات ، در پسر او است . آنکه پسر را دارد حیات را دارد و آنکه پسر خدا را ندارد ، حیات را نیافته است . »

یوحنا ۱ : ۱۲ - ۱۳ این وعده را به ما می دهد :

« و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند ، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد ، که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم ، بلکه از خدا تولد یافتند . »

یک پزشک و همسرش که در شهر زوریخ در کشور سوئیس زندگی می کردند ، پسرشان را برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا در رشته هواشناسی به " دانشگاه کالیفرنیا " در شهر لوس آنجلس فرستاده بودند . پسر این زوج « هانس » (Hans) نام داشت ، او در حین شرکت در یکی از جلسات ما مسیح را به عنوان نجات دهنده خود پذیرفت و طی نامه‌ای برای والدینش درباره ایمان جدیدش نوشت . در نامه‌اش از من به عنوان شخصی که او را با مسیح آشنا ساختم نام برده بود . در جواب نامه « هانس » والدینش از او خواسته بودند تا در صورت امکان ملاقاتی ترتیب داده شود تا شاید آنها نیز مسیح را به عنوان نجات دهنده خود بپذیرند . والدین « هانس » همراه خواهرش ، با صرف هزینه گزاف از زوریخ به لوس آنجلس پرواز کردند ، چرا که می‌خواستند هر چه زودتر آنها نیز مسیحی شوند .

این آغاز کار من و آغاز کار گروه " سپاهیان مسیح " بود . تا آن زمان کسی برای ملاقات با من حتی یک مسافت کوتاه را هم طی نکرده بود ، ولی والدین و خواهر « هانس » تمام این راه را از کشور سوئیس پیمودند تا پیش من بیایند . لحظه‌ای که این مرد مشهور همراه همسر و دخترش وارد دفتر کار شدند ، لحظه بزرگی در زندگی من بود .

آن مرد بزرگ درباره مسیر زندگی روحانی‌اش شروع به صحبت نمود و گفت : " سالها منکر خدا بودم ، ولی متوجه شدم که انکار خداوند آینده‌ای ندارد ، پس شروع به مطالعه درباره مذاهب مشرق زمین کردم ولی باز هم احساس رضایت نمی‌کردم تا این که یک نفر به من گفت : " جواب خودت را در کتاب عهد جدید خواهی یافت . " پس از آن شروع کردم به مطالعه عهد جدید و متقاعد شدم که مسیح آن کسی است که در پی‌اش بودم . درست در همین هنگام نامه « هانس » به دستمان رسید ، او نوشته بود که شما به او کمک کرده‌اید تا مسیحی شود . لطفاً هر چه را که به « هانس » گفته‌اید به ما هم بگویید . "

حتماً می‌توانید تصورش را بکنید در آن لحظه چه احساسی داشتم . از این که چنین موقعیتی برایم پیش آمده بود تا بتوانم با این زوج درباره نجات دهنده عالم بشریت ، یعنی مسیح زنده صحبت کنم بی‌نهایت احساس شادی می‌کردم .

من برایش توضیح دادم که اگر می‌خواهند مسیح را در قلبهایشان بپذیرند فقط کافی است که او را به زندگی خود دعوت کنند . ولی او صحبت را قطع کرد و گفت : " ولی آقای برای من این کار را کرده‌ام . من هر روز مسیح را به زندگی خودم دعوت می‌کنم ، بعضی از روزها پیش می‌آید که حتی چندین مرتبه او را به زندگی خود دعوت می‌کنم . "

از صحبت این مرد خودم هم گیج شده بودم ، در آن زمان چون هنوز برای هدایت مردم به سوی مسیح تجربه چندانی نداشتم ، نمی‌دانستم چه جوابی به او بدهم . به آرامی پیش خودم دعا کردم ، " خداوندا کمکم کن ، حالا باید چه جوابی بدهم ؟ "

ناگهان افسسیان ۲ : ۸ - ۹ به ذهنم آمد و گفتم :

« زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید ، بوسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست ، و نه از اعمال تا هیچ کس

فخر نکند . »

و ادامه دادم که این تنها کافی نیست که شما مسیح را به زندگی خود دعوت کنید بلکه طبق وعده او باید ایمان داشته باشید که او حتماً وارد زندگی شما خواهد شد. ایمان به ما می گوید: "من می دانم که عیسی مسیح فرزند خدا است،" ایمان به ما می گوید: "من می دانم اگر در قلبم را به روی مسیح باز کنم او وارد قلبم خواهد شد." ایمان به ما می گوید: "من می دانم که مسیح به خاطر گناهان ما مرد." ایمان به ما می گوید: "من می دانم وقتی او وارد زندگی ام شد من فرزند خدا خواهم شد." و بالاخره ایمان به ما می گوید: "من می دانم با پذیرفتن عیسی در زندگی خود دارای حیات جاودانی خواهم شد."

در ادامه صحبتیم به آن زوج گفتیم: "این دعوت شما نیست که مهم است بلکه این ایمان شما است که برای خداوند قابل احترام است. او وعده داده است که: «اینک بر در ایستاده می گویم، اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند، به نزد او درخواهم آمد و با وی شام خواهم خورد و او نیز با من» (مکاشفه ۳: ۲۰). ولی اگر ایمان نداشته باشید که او حتماً وارد زندگی شما خواهد شد باید بدانید که مسیح هرگز وارد زندگی شما نخواهد شد. اگر با ایمان از خداوند بخواهید، می توانید مطمئن باشید که او در وعده اش امین است."

از آن زوج دعوت کردم تا یک بار دیگر از مسیح بخواهند تا وارد زندگی شان شود، ولی این بار با ایمان کامل به این که اگر به عیسی اجازه دهند او بدون شک وارد خواهد شد، «و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد» (یوحنا ۱: ۱۲).

حتی قبل از این که دعا کنیم صورت آن مرد نورانی شد. گویا از نجاتش اطمینان کامل داشت و از خوشحالی شروع به خندیدن کرد، او مملو از شگفت و قدردانی، آسودگی خیال، تمجید و ستایش و شکرگزاری بود. بالاخره کسی را که سالهای سال جستجویش کرده بود، یافته بود.

آن مرد رو کرد به همسر عزیزش و به زبان آلمانی، درباره آنچه لحظاتی پیش بین من و او گذشت به او توضیح می داد. همسرش نیز شروع کرد به خندیدن، یک خنده ای از روی اطمینان. آنها سخت در جستجوی خداوند بودند، حالا که او را یافته بودند تمام وجودشان مالا مال از خوشی گشته بود.

آنها با مسیح ملاقات کردند و زندگی شان کاملاً تغییر کرد. آن شب با دختر این خانواده نیز دعا کردیم و او هم مسیح را در قلبش پذیرفت. تمام افراد خانواده پدر، مادر، برادر و خواهر همگی در مسیح با یکدیگر متحد شدند. بعدها این توفیق را یافتیم که در زوریخ معجزات دیگری را که خداوند در زندگی این خانواده انجام داده بود، از نزدیک مشاهده کنیم.

در یکی از کنفرانسهای تعلیمی خود داستان نجات این خانواده را برای عده ای تعریف کردم. پس از پایان کنفرانس خانم مسنی پیش من آمد. شاید حدود هشتاد سال داشت، موهایش مثل برف سفید بود و اشک در چشمانش حلقه زده بود.

آن زن گفت: "من مدت بیش از چهل سال از معلمان کانون شادی بوده ام، هر روز در دعایم از عیسی دعوت کرده ام تا وارد زندگی ام شود، ولی هرگز از این که او واقعاً آنجا است، اطمینان نداشته ام، امشب برای آخرین بار با ایمان از او خواستم تا وارد زندگی ام شود، درست مانند آن مرد سوئسی که داستانش را تعریف کردید، اکنون مطمئن هستم که او در قلب من است، چون خودش این را گفته است." و ادامه داد: "او وعده داده است که هرگز مرا ترک نکند و هرگز مرا فراموش نکند و دیگر هرگز با دعوتهای مکرر به عیسی بی احترامی نخواهم کرد، بلکه بقیه عمرم را به عنوان ابراز ایمان هر روز شکرگزار او خواهم بود، چرا که او وعده داده است" که هر روز با من است."

۲. شهادت درونی: تأثیر روح القدس

پولس رسول می نویسد: « همان روح بر روحهای ما شهادت می دهد که فرزندان خدا هستیم » (رومیان ۸ : ۱۶) . پولس رسول بر اهمیت این منبع درونی تأکید فراوان دارد . در اول تسالونیکیان می خوانیم :
« زیرا که انجیل ما بر شما محض سخن وارد نشده ، بلکه با قوت و روح القدس و یقین کامل ، چنانکه می دانید که در میان شما بخاطر شما چگونه مردمان شدیم » (اول تسالونیکیان ۱ : ۵) .

۳ . زندگی تغییر یافته

زندگی تغییر یافته ما گواه این حقیقت است که ما مسیحی هستیم . پولس رسول می نویسد : « پس اگر کسی در مسیح باشد ، خلقت تازه ای است ، چیزهای کهنه درگذشت ، اینک همه چیز تازه شده است » (دوم قرنتیان ۵ : ۱۷) . « و از این می دانیم که او را می شناسیم ، اگر احکام او را نگاه داریم . کسی که گوید او را می شناسم و احکام او را نگاه ندارد ، دروغگوست و در وی راسی نیست . لکن کسی که کلام او را نگاه دارد ، فی الواقع محبت خدا در وی کامل شده است و از این می دانیم که در وی هستیم . هر که گوید که در وی می مانم ، به همین طریقی که او سلوک می نمود ، او نیز باید سلوک کند » (اول یوحنا ۲ : ۳ - ۶) .
شبی را که این چنین دعا کردم هرگز فراموش نمی کنم . " خداوندا از من می خواهی با زندگی ام چه کنم ؟ " دعای ساده و آرامی بود . ولی از صمیم قلب دعا کردم و او دعایم را شنید .
به تدریج که با دیگر ایمانداران " اولین کلیسای پرسبتری " شروع به مطالعه کتاب مقدس کردم زندگی ام عوض شد . با گذشت زمان از بخشایش و محبت خدا اطمینان پیدا کردم و رابطه من با خدا مهمترین تجربه زندگی ام گشت .
اگر تا به حال هرگز شخصاً عیسی مسیح را به عنوان نجات دهنده خود نپذیرفته اید و یا اگر تردیدی درباره نجات خود دارید می توانید هم اکنون با ایمان از او دعوت کنید . شما می توانید با ابراز ایمان در دعا ، زندگی خود را به او بسپارید .
می توانید این چنین دعا کنید :

" عیسی خداوند به تو محتاجم ، تو را شکر می کنم که به خاطر آمرزش گناهان من بر روی صلیب جانم را فدا کردی ، من در زندگی خود را بر روی تو می گشایم و تو را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود می پذیرم ، تو را شکر می کنم که گناهان مرا بخشیده ای و زندگی جاودانی و پربرکتی را به من عطا کرده ای . خداوندا کنترل زندگی ام را در اختیار خود بگیر و مرا آن چنان شخصی بساز که منظور نظر تو باشد . "

البته باید بگویم که شما فقط با این دعا و یا دعاهایی شبیه به این ، مسیحی نمی شوید . بلکه فقط از طریق ایمان می توانید مسیحی شوید . ایمان یعنی اعتماد و توکل نمودن به خدا و وعده هایی که به ما داده است . پیشنهاد من این است که با صدای بلند و با ایمانی راسخ دعا کنید . از طریق دعا و صحبت با خداوند است که شما می توانید ایمانتان را نسبت به خدا و کلام او ابراز کنید .

اگر عیسی مسیح را به زندگی خود دعوت کرده اید ، حالا طبق وعده اش می توانید اطمینان داشته باشید که او وارد زندگی شما شده و حیات جاودانی به شما عطا کرده است .

پیشنهاد می کنم همین حالا به خاطر وفاداری خداوند و حضورش در زندگی تان از او تشکر و قدردانی کنید . هرگز تابع احساسات نباشید . اعتماد شما کلام خدا است . « هر که احکام مرا دارد و آنها را حفظ کند ، آن است که مرا محبت می نماید ، و

آنکه مرا محبت می‌نماید، پدر من او را محبت خواهد نمود و من او را محبت خواهم نمود و خود را به او ظاهر خواهم ساخت» (یوحنا ۱۴ : ۲۱) .

بهتر است هر روز زمان معینی را صرف دعا و مطالعه کتاب مقدس بنمایید . بهتر است که ساعت مشخصی را در نظر گرفته و به دعا و خواندن کلام عادت کنید . این عمل باعث خواهد شد تا در ایمان خود رشد نموده و بالغ شوید . با دیگر مسیحیان معاشرت کنید و اگر عضو کلیسای محلی نیستید ، منتظر دعوت نباشید ، خود پیشقدم شوید و به نزد کشیش نزدیکترین کلیسایی که در آن مسیح را جلال می‌دهند ، و کتاب مقدس را موعظه می‌کنند ، بروید . ترتیب این کار را در طول این هفته بدهید و مرتباً در جلسات کلیسا شرکت کنید . اگر قبلاً تعمیم نیافته‌اید ترتیبی بدهید که به نشانه مرگ و قیام با مسیح هر چه زودتر تعمیم بگیرید .

اگر مطمئن هستید که یک مسیحی می‌باشید پیشنهاد می‌کنم تا این حقیقت را با دیگران هم در میان بگذارید ، تا آنها هم مسیح را در زندگی خود پذیرفته و نجات یابند از هر فرصتی استفاده کنید و ایمانتان را به مسیح با دوستان و همسایگان خود درمی

بگذارید . پولس رسول درباره عیسی به قدری هیجان‌زده بود که در کولسیان ۱ : ۲۸ می‌گوید : « و ما او را اعلان می‌نماییم ، در حالیکه هر شخص را تنبیه می‌کنیم و هر کس را به هر حکمت تعلیم می‌دهیم تا هر کس را کامل در مسیح عیسی حاضر سازیم » . با هر کسی که ملاقات می‌کنید درباره مسیح و وعده‌هایش صحبت کنید ، به آنها بگویید که چگونه مسیح قادر است تا زندگی آنها را تغییر دهد و به آنها بگویید که چگونه می‌توانند از نجات خود مطمئن شوند .

به خاطر داشته باشید که کتاب چگونگی اطمینان حاصل نمودن از نجات خود " یک اصل قابل انتقال " است . وقتی که آن را شش مرتبه خواندید ، بر آن تسلط کامل خواهید یافت ، سپس کتاب را به دیگران بدهید ، همان‌گونه که خداوند ما در متی ۲۸ : ۲۰ امر فرمود « و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند . » پولس رسول نیز ما را به این کار تشویق و ترغیب می‌کند : « و آنچه به شهود بسیار از من شنیدی ، به مردمان امین بسیار که قابل تعلیم دیگران هم باشند » (دوم تیموتاؤس ۲ : ۲) .

راهنمای مطالعه شخصی

۱ . چرا برخی از مسیحیان در مورد نجات خود اطمینان ندارند ؟ (صفحه ۴ را مطالعه کنید .)

۲ . درباره عیسی چه فکر می‌کنید ؟ بر طبق چه شواهد و مدارکی اطمینان دارید که این ایمان حقیقی است ؟ (صفحه ۷ را مطالعه کنید .)

۳ . مطابق قسمت‌های زیر عیسی مسیح کیست ؟

الف - مرقس ۱ : ۱

ب - یوحنا ۱ : ۱ ، ۱۴

ج - یوحنا ۱۰ : ۳۰

د - یوحنا ۱۴ : ۶

۴ . چرا معجزات مسیح برای ما ثبت شده است ؟ (یوحنا ۲۰ : ۳۰ - ۳۱)

۵ . چرا مسیح باید می‌مرد ؟

الف - عبرانیان ۹ : ۲۲

ب - اول پطرس ۱ : ۱۸ - ۱۹

ج - اول قرنتیان ۱۵ : ۳

۶ . در یوحنا ۱ : ۱۲ چه رابطه‌ای بین کلمه " قبول " و ایمان آوردن وجود دارد ؟

۷ . شناختن مسیح برای شما چه معنا و مفهومی را در بر دارد ؟

۸ . چه شواهدی در کتاب مقدس به شما این اطمینان را می‌دهد که نجات شما چیزی فراتر از احساسات می‌باشد ؟ مطابق

آیات :

الف - رومیان ۸ : ۱۶

ب - افسسیان ۱ : ۳ - ۱۱

ج - اول یوحنا ۵ : ۱۱ - ۱۳

۹ . عیسی در طول خدمتش بر روی زمین چه تأکیدی بر احساسات داشت ؟ این دو قسمت در کتاب مقدس چه چیزی را به

نشان می‌دهد ؟

الف - مرقس ۸ : ۱۲

ب - لوقا ۱۰ : ۲۱

۱۰ . چگونه ممکن است احساسات شما را فریب دهد ؟ (صفحه ۱۰ و ۱۱ را مطالعه کنید .)

۱۱ . به تدریج که خدا را بهتر می‌شناسید چه اتفاقی می‌افتد ؟ (صفحه ۱۲ را مطالعه کنید .)

۱۲ . کلام خدا درباره‌ی ایمان چه می‌گوید ؟ (مطابق رومیان ۱ : ۱۷ ، ۱۴ : ۲۳ ؛ عبرانیان ۱۱ : ۶)

۱۳ . چرا مسیحی شدن یک عمل ارادی است ؟ و چرا بعضی از مردم در مورد پذیرفتن عیسی دچار تردید می‌شوند ؟

مطابق

دوم قرنتیان ۴ : ۲ - ۴

۱۴. چه چیزی تأیید می‌کند که شما یک مسیحی شده‌اید؟ (صفحات ۱۸ - ۲۱ را مطالعه کنید.)

۱۵. چگونه می‌توانید هدایت زندگی خود را به مسیح بسپارید؟ (صفحه ۱۳ را مطالعه کنید.)

۱۶. عیسی مسیح به کسانی که از نجات خود اطمینان ندارند، مطابق آیات زیر چه وعده‌ها و نصایحی فرموده است؟

متی ۱۶: ۲۶

مرقس ۸: ۳۴ - ۳۸ و ۱۰: ۲۱، ۲۹، ۳۰

یوحنا ۳: ۱ - ۲۱

۱۷. شما چگونه می‌توانید از نجات خود و از جایگاه خود نزد مسیح مطمئن شوید؟ مطابق آیات:

یوحنا ۳: ۱۶

یوحنا ۱۰: ۲۸ - ۲۹

اول یوحنا ۵: ۱۱ - ۱۳

۱۹. فرض کنید شخصی از نجات خود اطمینان ندارد. در عرض این هفته چه کاری انجام می‌دهید تا به او کمک کنید از

نجات

خود و از جایگاهش نزد مسیح اطمینان حاصل کند؟

مباحث و سؤالات گروهی

۱. مسیحیت بر مبنای شواهد و مدارک تاریخی معتبر بنا شده است. کدام یک از این واقعیتها نقش مهمی در تسلیم شدن ما

ب

مسیح دارد؟

۲. چرا مسیحیت با دیگر مذاهب تفاوت دارد؟ این تفاوت برای شخص شما چه مفهوم و معنایی دارد؟

۳. یک مسیحی باید با ایمان زندگی کند نه بر پایه احساسات. احساسات چه نقش و جایگاه در زندگی مسیحی شما دارد؟ احساسات کی و کجا ممکن است گمراه کننده باشد؟ اگر در زندگی خود تجربه‌ای در این رابطه داشته‌اید برای دوستان هم گروه خود تعریف کنید.

۴. بعضی از مردم درباره پذیرفتن مسیح در زندگی خود مردد هستند، چرا که می‌ترسند خداوند نقشه‌های آنها را برهم زند. واقعه‌ای را در زندگی خود بیان کنید که خداوند چنین کاری انجام داده است. اگر چنین است درباره نتیجه کار خداوند یکدیگر بحث و گفتگو کنید.

۵. چرا این مسأله مهم است که شما از نجات خود اطمینان داشته باشید؟

۶. تاریخ کلیسا منشأ تمام بیداریهای روحانی را بر مبنای کلام خدا می‌داند. برای این که از نجات خود مطمئن شوید کلام خدا در زندگی شما چه نقشی را ایفا می‌کند؟

۷. در همین لحظه دوست دارید به چه کسی مژده نجات را بدهید؟ به دو گروه تقسیم شوید و در مورد راههای رسیدن به این هدف با هم در گروههای خود تبادل نظر کرده و دعا کنید.

کتابچه‌های " اصول قابل انتقال " که به شما کمک خواهد کرد تا تجربه زندگی مسیحی خود را با دیگران در میان بگذارید . به نوشته " بیل برایت "

- ۱ . چگونگی اطمینان حاصل نمودن از نجات خود
- ۲ . چگونگی تجربه نمودن آمرزش و محبت خدا
- ۳ . چگونگی پر شدن از روح القدس
- ۴ . چگونگی سلوک نمودن در روح
- ۵ . چگونگی شهادت دادن در روح
- ۶ . چگونگی راهنمایی کردن مردم به سوی مسیح
- ۷ . چگونگی سهیم شدن در انجام حکم اعظم مسیح
- ۸ . چگونگی محبت نمودن به وسیله مسیح
- ۹ . چگونگی دعا کردن
- ۱۰ . چگونگی تجربه نمودن رساندن مژده نجات

آیا درباره " چهار اصل معنوی " چیزی شنیده‌اید؟ به نوشته " بیل برایت " . این کتاب یکی از مؤثرترین کتابهای موجود خدمت بشارتی است . کتاب " چهار اصل معنوی " به شما کمک خواهد کرد تا بتوانید به سادگی ایمان خود را با دیگران در میان بگذارید ، طبق آمار موجود یک و نیم میلیون نسخه از این کتاب به زبانهای مهم دنیا چاپ و منتشر شده است .

آیا دوست دارید خدا را بهتر بشناسید؟ به نوشته " بیل برایت " . چاپ تجدید نظر شده کتاب " چهار اصل معنوی " که به شما می‌آموزد چگونه بر طبق چهار اصل خواهید توانست یک رابطه شخصی توسط عیسی مسیح با خدا برقرار کنید .

آیا زندگی توأم با پری روح القدس را تجربه کرده‌اید؟ به نوشته " بیل برایت " . حقیقت زندگی توأم با پری روح القدس را دریافته ، خواهید آموخت که چگونه هر لحظه با تکیه بر روح القدس زندگی کنید .

راز . به نوشته " بیل برایت " . کتابی که به شما نشان می‌دهد چگونه وجد و شادی جدیدی را در سلوک مسیحی خود تجربه نمایید . راز؟ به شما می‌آموزد که چگونه به هدف ، قوت و هدایت مهیا شده خداوند توسط روح القدس دست یابید .

شهادت دادن بدون ترس . به نوشته " بیل برایت " با مقدمه " بیلی گراهام " . در این کتاب قدم به قدم به شما تعلیم داده می‌شود که چگونه با اطمینان و جرأت تمام ایمان خود را با دیگران در میان بگذارید . کشیش « چارلز استینی » می‌نویسد : « اگر شما برای نجات یک دوست بی‌ایمان ، یک همسایه و یا کسی که دوستش دارید ، دعا می‌کنید ، این کتاب برای شما است . » چه برای مطالعه شخصی و چه گروهی مناسب می‌باشد .

رسیدن به دنیای خود . به نوشته " بیل برایت " . یک کتاب شش قسمتی همراه با نوار ویدئو ، مناسب برای کانون شادی ، مطالعات کتاب مقدس ، کار بشارتی و تعلیم نوایمانان . شامل دفترچه‌های مربوطه ، راهنمای معلم و غیره . کتاب ده قدم . به نوشته " بیل برایت " . کتابهای جامع برای تحصیلات دوره‌ای برای نوایمانان و برای هر کس که می‌خواهد اصول و پایه‌های اولیه‌ی ایمان را بداند . این کتابها توسط صدها هزار نفر در سراسر دنیا مطالعه شده است . این کتابها برای رشد ایمان شما بسیار مفید است . کتابهای مخصوص دانش‌آموزان و معلمان در دسترس می‌باشد .

مقدمه - عیسای بی‌نظیر

قدم اول - تجربه‌ی شگفت‌انگیز شخص مسیحی

قدم دوم - شخص مسیحی و زندگی پربرکت

قدم سوم - شخص مسیحی و روح‌القدس

قدم چهارم - شخص مسیحی و دعا

قدم پنجم - شخص مسیحی و کتاب مقدس

قدم ششم - شخص مسیحی و اطاعت

قدم هفتم - شخص مسیحی و شهادت

قدم هشتم - شخص مسیحی و نظارت

قدم نهم - بررسی اجمالی عهد عتیق

قدم دهم - بررسی اجمالی عهد جدید

کتاب وعده‌ها . یک راهنمای روزانه برای یک زندگی خارق‌العاده . به نوشته " بیل برایت " . راهنمای صمیمی روزانه که به تغییر زندگی شما کمک خواهد کرد تا هر روز زندگی خارق‌العاده‌ای را همراه با تفکر درباره‌ی وعده‌های خدا و اطاعت از او بگذرانید .